

Paper Type: Original Article

Investigating the Effect of Investor Pressure on Dividend Policy

Seyed Reza Seyed Nezhad Fahim^{1,*} , Ayat Balali², Fereshteh Hasanzadeh³

¹ Department of Accounting, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran; s.rezafahim@liau.ac.ir.

² Department of Accounting, Siahkal Center, Islamic Azad University, Siahkal, Iran; ayatbalali@yahoo.com.

³ Department of Accounting, Qadir Institute of Higher Education, Langarud, Iran; f.h.hasanzade@gmail.com.

Citation:



Seyed Nezhad Fahim, S, R., Balali, A., & Hasanzadeh, F. (2021). Investigating the effect of investor pressure on dividend policy. *Innovation management and operational strategies*, 2(2), 167-179.

Received: 22/05/2021

Reviewed: 13/07/2021

Revised: 09/08/2021

Accept: 29/08/2021

Abstract

Purpose: Dividend payment decisions are one of the critical components of corporate policy and one of the most important issues in the financial literature. On the one hand, they affect companies' investments. On the other hand, many shareholders with short-term investment horizons want to distribute cash dividends, so managers must constantly balance their interests and profitable investment opportunities to maximize wealth. This study examines the effect of investor pressure on dividend policy.

Methodology: Eighty-four companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2013 to 2018 were selected. Using the combined data approach, we tested the research hypotheses.

Findings: The results of this study indicate that the pressure of investors has a positive and significant effect on the dividend per share and the ratio of dividends to sales.

Originality/Value: Explaining the policy of profit sharing of companies and its determining factors is one of the biggest challenges that has always been faced by thinkers in the field of financial economics, which was examined in the present study.

Keywords: Dividend policy, Investor pressure, Swing trade.



Corresponding Author: s.rezafahim@liau.ac.ir



<http://dorl.net/dor/20.1001.1.27831345.1400.2.2.5.3>



Licensee. **Innovation Management & Operational Strategies**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).



بررسی تأثیر فشار سرمایه‌گذاران بر سیاست تقسیم سود

سیدرضا سیدنژاد فهیم^۱، آیت بلالی^۲، فرشته حسن زاده^۳

^۱گروه حسابداری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

^۲گروه حسابداری، مرکز سیاهکل، دانشگاه آزاد اسلامی، سیاهکل، ایران.

^۳گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی قدیر، لنگرود، ایران.

چکیده

هدف: تصمیمات مربوط به پرداخت سود سهام به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در سیاست مدیریتی شرکت‌ها و از مهم‌ترین مباحث مطرح در ادبیات مالی می‌باشد؛ از یک طرف عامل اثرگذار بر سرمایه‌گذاری‌های پیش‌روی شرکت‌ها است و از طرف دیگر بسیاری از سهامداران با افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت خواهان تقسیم سود نقدی هستند، از این رو مدیران باهدف حداکثر کردن ثروت همواره باید بین علاقیت مختلف آنان و فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری تعادل برقرار کنند.

روش‌شناسی پژوهش: در این پژوهش تأثیر فشار سرمایه‌گذاران بر سیاست تقسیم سود مورد بررسی قرار گرفت. برای دستیابی به هدف پژوهش، ۸۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ انتخاب شد و با استفاده از رویکرد داده‌های ترکیبی، فرضیه‌های پژوهش آزمون شدند.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش حاکی از آن است که فشار سرمایه‌گذاران بر سود تقسیمی هر سهم و نسبت سود تقسیمی به فروش تأثیر مثبت و معناداری دارد.

اصالت/ارزش‌افزوده علمی: تشریح و تبیین سیاست تقسیم سود شرکت‌ها و عوامل تعیین‌کننده آن یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که همواره پیش روی متفکران حوزه اقتصاد مالی بوده است که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: سیاست تقسیم سود، فشار سرمایه‌گذار، معاملات نوسانی.

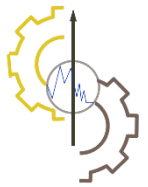
۱- مقدمه

هدف اصلی مدیران مالی در شرکت‌ها، حداکثر سازی ثروت سهامداران است که به دو روش افزایش سود سهام و افزایش قیمت سهام (عایدی سرمایه) امکان‌پذیر است. شرکت‌ها برای رسیدن به این هدف، باید از مجموع دو رقم سود سهام و افزایش قیمت در بازار، مطلوب‌ترین ترکیب را به دست آورند. از این رو شرکت‌ها باید در مورد سیاست تقسیم سود خود، یعنی مقدار سود نقدی که باید بین سهام‌داران توزیع شود، تصمیم‌گیری کنند. سیاست تقسیم سود، اندازه و الگوی توزیع وجه نقد به سهامداران را در طی زمان مشخص می‌کند. این موضوع، یکی از تصمیمات بلندمدت و استراتژیک شرکت بوده و بر تصمیمات مالی و سرمایه‌گذاری شرکت نیز اثرگذار است. کشف و شناسایی دقیق عوامل اثرگذار بر سیاست تقسیم سود هنوز یکی از مباحث مهم در حوزه حسابداری و مدیریت مالی شرکت‌هاست. در صورتی که عوامل اثرگذار بر پرداخت سود تقسیمی و میزان تأثیر آن‌ها مشخص شود، مدیران به دید بهتری در مورد موقعیت شرکت خود

* نویسنده مسئول

s.rezafahim@liau.ac.ir

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.27831345.1400.2.2.5.3>



از لحاظ تقسیم سود دست می‌یابند و بهتر می‌توانند تصمیم‌گیری کنند (ایزدی نیا و همکاران، ۲۰۱۰). از طرفی استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی، تمایل دارند از توان شرکت در ایجاد منابع نقدی و توزیع آن بین سهامداران آگاهی یابند تا از یک‌سو تصویری روشن از وضعیت کنونی شرکت به دست آورند و از سوی دیگر، بتوانند وضعیت آینده شرکت را مورد ارزیابی قرار دهند. در این میان، سود سهام نقدی به دلیل عینیت و ملموس بودن، نزد ذینفعان و مدیران شرکت‌ها، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (کرمی و همکاران، ۲۰۱۱). یکی دیگر از عامل‌هایی که می‌تواند بر سیاست تقسیم سود شرکت‌ها تأثیرگذار باشد، فشار سرمایه‌گذاران است که سرمایه‌گذاران فعال یاد گرفته‌اند که از تاکتیک‌های فشار استفاده نمایند. همیشه بین مدیران و صاحبان سهام عمده از یک‌طرف و هزاران سرمایه‌گذار کوچک از طرف دیگر بر سر مسئله تقسیم سود و تأمین مالی تضاد وجود دارد. هدف سرمایه‌گذاران خرد از سرمایه‌گذاری بیشتر دریافت سود نقدی است و مایل هستند که بازده سهام خود را به شکل سود نقدی دریافت نمایند، از طرف دیگر سهامداران عمده مایل هستند که سود در شرکت نگهداری و صرف توسعه گردد و در نتیجه قیمت سهام شرکت از این طریق افزایش یابد (حیدری و شیرین‌بخش، ۲۰۱۸). همچنین در سال‌های اخیر به دلیل حجم بالای نقدینگی در کشور و جذابیت بازار سهام، منجر به ورود سرمایه‌گذاران زیادی با سرمایه‌های اندک به این بازار شده است و اکثر آن‌ها تمایل به کسب سودهای آربتراژی در کوتاه‌مدت هستند.

تشریح و تبیین سیاست تقسیم سود شرکت‌ها و عوامل تعیین‌کننده آن یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که همواره پیش روی متفکران حوزه اقتصاد مالی بوده است؛ پژوهشگران متعدد پس از انجام چندین دهه بررسی و مطالعه در این خصوص، هنوز نائل به درک کامل تمامی عوامل اثرگذار بر سیاست تقسیم سود شرکت و چگونگی تعامل بین این عوامل نگردیده‌اند (اعتمادی و اسماعیلی کجانی، ۲۰۱۶). از طرفی، هنوز زوایای ناشناخته بی‌شماری در این زمینه وجود دارد که پژوهش در این زمینه را ضروری می‌سازد. درک و فهم عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود علاوه بر حفظ منافع سرمایه‌گذاران، باعث رشد شرکت و در نهایت افزایش امکان سودآوری و جلب رضایت سهامداران از سیاست‌های شرکت می‌شود (وانگ، ۲۰۱۲). لذا هدف این پژوهش بررسی نقش فشار سرمایه‌گذاران بر سیاست تقسیم سود است. در ادامه، پس از ارائه مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده، فرضیه‌ها و متغیرهای پژوهش مطرح شده است؛ در نهایت به تجزیه و تحلیل یافته‌ها، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

تصمیمات مربوط به پرداخت سود سهام به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در سیاست مدیریتی شرکت‌ها و از مهم‌ترین مباحث مطرح در ادبیات مالی می‌باشد؛ زیرا سود تقسیمی بیانگر پرداخت‌های نقدی عمده شرکت‌ها و یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها و تصمیمات فراروی مدیران به شمار می‌رود (صراف و چاوشی طهرانی، ۲۰۱۶). تقسیم سود را از دو جنبه مهم می‌توان بررسی نمود. از یک‌سو می‌توان آن را به‌عنوان یک عامل اثرگذار بر سرمایه‌گذاری‌های پیش روی شرکت دانست. چراکه تقسیم سود موجب کاهش منابع داخلی و افزایش نیاز به منابع خارجی می‌شود. از سوی دیگر بسیاری از سهامداران شرکت خواهان تقسیم سود نقدی هستند، از این‌رو مدیران باهدف حداکثر کردن ثروت همواره باید بین علایق مختلف آنان و فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری تعادل برقرار کنند؛ بنابراین تصمیمات تقسیم سود که از سوی مدیران شرکت‌ها اتخاذ می‌شود بسیار حساس و دارای اهمیت است و مدیر باید تصمیم بگیرد که چه میزان از سود شرکت، تقسیم و چه میزان در قالب سود انباشته مجدداً در شرکت سرمایه‌گذاری شود. به‌رغم اینکه پرداخت سود تقسیمی مستقیماً سهامداران را بهره‌مند می‌سازد، توانایی شرکت در انباشت سود به‌منظور بهره‌گیری از فرصت‌های رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بیکر و پاول، ۲۰۰۹).

هیچ تئوری فراگیر و جامعه‌ای درباره نحوه پرداخت سود سهام وجود ندارد و آنچه در مورد تمایل به پرداخت و نحوه تقسیم سود سهام نقدی بیان می‌شود از طریق نظراتی که پژوهشگران و مدیران شرکت‌ها ارائه می‌دهند ایجاد شده است (دراپور و همکاران، ۲۰۲۰)؛ اما مهم‌ترین

^۱ Izadnia et al.

^۲ Karami et al.

^۳ Heidari Haratemeh and Shirinbakhsh

^۴ Etemadi and Esmaeili Kojani

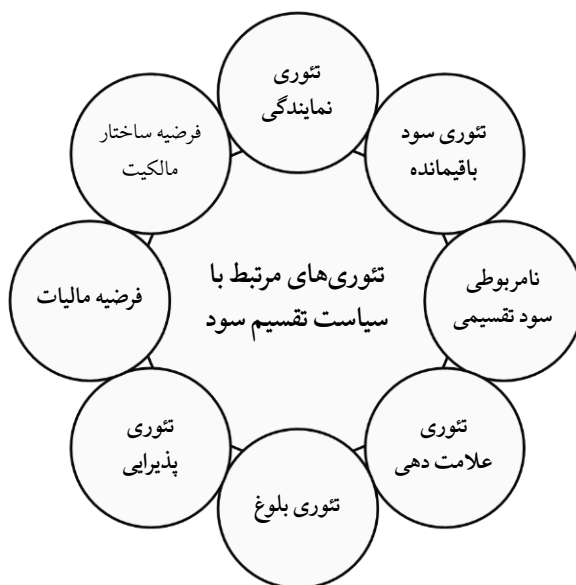
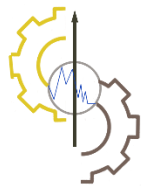
^۵ Wang

^۶ Saraf and Chavoshi Tehrani

^۷ Baker and Powell

^۸ Driver et al.

عوامل تعیین کننده سطح سود تقسیمی، محدودیت های مالی، فرصت های سرمایه گذاری، اندازه شرکت، فشار سهامداران و قوانین مصوب می باشد (خدای پور و همکاران، ۲۰۱۳). پژوهشگران تاکنون مدل ها و تئوری های بسیاری برای تشریح و تبیین عوامل مؤثر بر تصمیمات تقسیم سود ارائه نمودند که در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱- تئوری های مرتبط با سیاست تقسیم سود (اعتمادی و اسماعیلی کجانی، ۲۰۱۶).
Figure 1- Theories related to profit sharing policy (Etemadi and Ismaili Kojani, 2016).

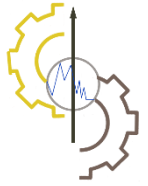
از جمله متداول ترین و ماندگارترین تئوری در خصوص سود سهام، تئوری نمایندگی است که در نتیجه جدایی منافع مدیریت و مالکیت در شرکت ها ایجاد شده است. فرض بنیادین تئوری نمایندگی، عمل افراد در جهت حداکثر کردن منافع شخصی شان است و از آنجا که تابع مطلوبیت افراد لزوماً همیشه با یکدیگر منطبق نیست، مدیران لزوماً همواره در پی کسب حداکثر منافع برای مالکان نخواهند بود. مالکان نیز با آگاهی از این تضاد منافع و احتمال بروز رفتارهای فرصت طلبانه از سوی مدیریت با استفاده از سازوکارهای حاکمیت شرکتی درصدد کاهش مشکلات نمایندگی هستند.

جنسن (۱۹۸۶) بیان کرد که مدیران تمایل دارند که با افزایش رشد و اندازه شرکت، منابع تحت کنترل خود را توسعه دهند تا با این کار در کنار ملاحظات شهرت، باعث افزایش قدرت مانور خود نیز شوند. طبق تئوری نمایندگی، یکی از راهکارهای کاهش مشکل نمایندگی بین مالکان و مدیران، تقسیم سود است.

در خصوص نقش تقسیم سود در کاهش مشکلات نمایندگی نظریه های مختلفی مطرح شده است. طبق نظریه جانشینی پیش بینی می شود شرکت های دارای نظام حاکمیت شرکتی ضعیف سود نقدی بیشتری توزیع نمایند تا از این طریق حسن نیت خود را در خصوص عدم سوءاستفاده از منابع شرکت اثبات کنند. لذا از دیدگاه این نظریه، تقسیم سود یکی از باصرفه ترین ابزارهای در اختیار شرکت های دارای مشکلات نمایندگی بالا است (اعتمادی و اسماعیلی کجانی، ۲۰۱۶). این روایت سود سهام را از منظر مثبت، به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن مدیران برای رد پروژه های غیر سودآور و بازگرداندن پول نقد برای تخصیص کارآمد توسط بازار سهام معرفی می کند.

در سال های اخیر به دلیل ورود فناوری های جدید، پوشش رسانه ای، کاهش زمان معامله و هزینه های آن، نوسانات بازار که نتیجه آن افزایش کارایی بازار است رقابتی در بین سرمایه گذاران برای کسب سود آریتر از در مدت زمانی کوتاه ایجاد نموده است. این موضوع باعث ایجاد فشار بیش از حد از سوی سهامداران و سرمایه گذاران بر مدیران و اعضای هیئت مدیره شده که آن ها را به سمت پرداخت سود بیشتر به سهامداران سوق می دهد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) هشدار داده است که فعالیت سهامداران غالباً به شکل اعمال

^۱ Khodamipoor et al.
^۲ Jensen
^۳ Substitute
^۴ Economical



فشار برای بازپرداخت پول نقد انجام می‌شود و ممکن است مانع سرمایه‌گذاری‌های تولیدی شود. از این رو، این موضوع شرکت‌ها را برای در اختیار داشتن منابع مالی بیشتر جهت سرمایه‌گذاری و کسب سود بیشتر دچار مشکل نموده است (دراپور و همکاران، ۲۰۲۰).

فانگ و همکاران (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که نقدینگی بالای شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدتی را که اغلب برای کسب سودهای فعلی معامله می‌کنند، به خود جذب می‌کند. شکل خاصی از استراتژی معامله به نام معاملات نوسانی وجود دارد که از الگوی خرید، نگهداری و سپس فروش جهت کسب سود معین متفاوت است. معامله‌گران نوسانی سهامی را انتخاب می‌کنند که نقد شوندگی آن‌ها امکان معامله آسان (مانند سهام شرکت‌های بزرگ) را فراهم کند، جایی که نوسانات باعث می‌شود معاملات آگاهانه پنهان شوند و هزینه‌های معامله پایین بیاید. این در حالی است که همه‌گیر شدن این گرایش می‌تواند به کارکرد اصلی بازار سرمایه که همان تأمین مالی بلندمدت برای شرکت‌ها است لطمه وارد شود. به گفته گالاگر (۲۰۱۳) ویژگی‌های سهام معاملات نوسانی عبارت‌اند از سهام شرکت‌های بزرگ با گردش مالی بالا و اختلاف قیمت خرید و فروش پایین (دراپور و همکاران، ۲۰۲۰). فرضیه ما در اینجا این است که شرکت‌هایی که بیشتر در معرض معامله‌گران نوسانی قرار دارند تمایل دارند با پرداخت بیشتر سود نقدی از قیمت سهام خود حمایت کنند.

۳- پیشینه پژوهش

کومراتاناپانیا و سانتراروک (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان فاکتورهای اثرگذار بر سود تقسیمی در تایلند با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون به این نتیجه رسیدند که اهرم مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد فروش اثر منفی و از سوی دیگر، اندازه شرکت اثر مثبت بر سود سهام دارند.

کازمیرسکا-جوزویاک (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی عوامل تعیین‌کننده سیاست تقسیم سود در یک بازه زمانی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ به بررسی ۴۰۹ شرکت لهستانی پرداخت. تجزیه و تحلیل داده‌های رگرسیون به نشان‌دهنده این امر بود که عوامل مختلفی بر سیاست تقسیم سود در بازار لهستان تأثیرگذار است که از آن جمله اندازه، سودآوری و نسبت قیمت به سود رابطه مستقیم؛ نسبت بدهی و نقدینگی رابطه غیرمستقیم با سود تقسیمی دارند.

زاگلز و همکاران (۲۰۱۸) بر اساس تغییرات قانون مالیات در برزیل در یک بازه زمانی از ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۱ به بررسی تأثیر تغییرات قانون مالیات در سیاست‌های سود سهام شرکت‌ها پرداختند. برای این منظور نمونه‌ای شامل ۶۷۲ شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که تغییرات قانون مالیات تأثیر قابل توجهی در پرداخت سود سهام شرکت‌ها داشته است و همچنین، سود سهام تا حدودی به پرداخت‌های قبلی بستگی داشت.

تران (۲۰۲۰) به بررسی نقش فساد مالی بر سیاست تقسیم سود با توجه به تئوری نمایندگی پرداخت. فساد مالی هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد، از این رو سهامداران انگیزه بیشتری برای کنترل مدیران دارند. وقتی فساد مالی بیشتر باشد، مدیران شرکت برای پرداخت‌های غیررسمی باید از منابع شرکت استفاده کنند. در نتیجه سهامداران که این خطر را تشخیص می‌دهند باید مدیران را مجبور به پرداخت سود سهام بیشتر کنند تا مشکل نمایندگی را کاهش دهند. نتایج این پژوهش با نمونه‌ای از ۲۰۵۳۱۶ مشاهده از ۴۷ کشور نشان داد که فساد رابطه مثبتی با میزان سود سهام پرداختی دارد.

دراپور و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان "چگونه فشار سرمایه‌گذار منجر به پرداخت سود سهام بیشتر می‌شود" به بررسی این موضوع پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود دریافتند که علیرغم چشم‌انداز اقتصادی نامشخص ناشی از کوید ۱۹ (کرونا)، کسری بازنشتگی

^۱ Fang et al.

^۲ Oscillating Trades

^۳ Gallagher

^۴ Komrattanapanya and Suntraruk

^۵ Kaźmierska-Jóźwiak

^۶ Zagonel et al.

^۷ Tran

^۸ COVID-19

و صرف نظر از اینکه شرکت‌ها چقدر سود کسب کرده‌اند، پرداخت سود سهام شرکت‌های انگلیسی رو به افزایش است و دلیل این امر فشار سرمایه‌گذاران شرکت‌ها است.

باروز و همکاران (۲۰۲۱) نقش سهامداران فعال را در تصمیمات تقسیم سود شرکت‌های غیرمالی ایالات متحده بررسی کردند. دوره مورد مطالعه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ با استفاده از روش‌های کمی و کیفی بود. یافته‌های این پژوهش از این ادعا پشتیبانی می‌کند که کمپن‌های فعال به طور مثبتی با احتمال تصمیم شرکت‌ها برای پرداخت سود سهام مرتبط هستند.

کرمی و همکاران (۲۰۱۱) نقش سهامداران نهادی را بر سیاست تقسیم سود مورد مطالعه قرار دادند. دوره مورد مطالعه از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ به مدت ۱۰ سال است. نتایج بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین سطح سهامداران نهادی و سود سهام پرداختی بوده است. این امر نشان می‌دهد که حضور سهامداران نهادی سبب کاهش استفاده از سود سهام به‌عنوان علامتی برای عملکرد خوب شرکت می‌شود و مؤید تئوری علامت‌دهی است.

مرادی و دلدار (۲۰۱۲) تأثیر سهامداران غیر نهادی بر سیاست تقسیم سود را بررسی کردند. وجود سهامداران غیر نهادی، تضاد نمایندگی میان مدیریت و مالکیت را به همراه دارد. نمونه این تحقیق شامل ۱۴۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۹ می‌باشد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که با افزایش درصد مالکیت سهامداران غیر نهادی، سود تقسیمی شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

کردستانی و تیموری (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان تأثیر اطلاعات محرمانه بر خط و مشی سرمایه‌گذاری و سیاست تقسیم سود به بررسی موضوع پرداختند. برای این منظور اطلاعات ۶۹۲ سال-شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که بین اطلاعات محرمانه و سرمایه‌گذاری شرکت رابطه مثبت وجود دارد که برخلاف انتظار است. اگرچه این شواهد از طریق فرصت‌های رشد توجیه می‌شود. همچنین بین اطلاعات محرمانه و سیاست تقسیم سود شرکت رابطه مستقیمی مشاهده نشده است.

محمدزاده مقدم و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان تأثیر کیفیت سود بر سیاست تقسیم سود به بررسی موضوع پرداختند. بدین منظور برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، تعداد ۱۰۵ شرکت، در بازه زمانی پنج‌ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، شامل ۵۲۵ سال-شرکت انتخاب نمودند. نتایج حاصل بیانگر آن است بین کیفیت اقلام تعهدی و سیاست تقسیم سود رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد که این نشان از قابلیت اعتماد اقلام تعهدی دارد، درحالی‌که رابطه بین مدیریت سود و سیاست تقسیم سود از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده که در واقع می‌توان نمود در شرکت‌های ایرانی روند پرداخت سود تقسیمی تابعی از مدیریت سود نیست و این خبر خوبی برای سهامداران بازار سرمایه کشور به شمار می‌رود. حاجی و شریفی (۲۰۲۰) رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و سیاست تقسیم سود را بررسی کردند. جامعه آماری پژوهش ۱۳۲ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ انتخاب شده است. نتایج پژوهش نشان داد بین عدم تقارن اطلاعاتی و سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

۴- فرضیه تحقیق

با استناد به مبانی نظری، فرضیه‌های این پژوهش را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد:

فرضیه اول: بین فشار سرمایه‌گذاران و نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین فشار سرمایه‌گذاران و نسبت سود تقسیمی به فروش رابطه معناداری وجود دارد.

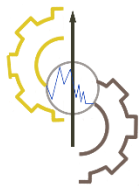
^۱ Barros et al.

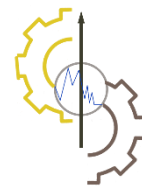
^۲ Moradi and Deldar

^۳ Kordestani and Teymori

^۴ Mohammadzade Moghadam et al.

^۵ Haji and Sharifi





روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی بوده و طرح آن از نوع تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از رگرسیون خطی چندگانه که مبتنی بر داده‌های ترکیبی بوده، استفاده شده که با استفاده از روش‌های آماری و اقتصادسنجی به بررسی و آزمون فرضیه‌ها پرداخته شده است. جامعه آماری این پژوهش، تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به منظور انتخاب نمونه از بین شرکت‌های عضو جامعه آماری، شرکت‌هایی که حائز شرایط زیر بودند برای بررسی انتخاب شدند و در ادامه، به جمع‌آوری و آزمون داده‌های این شرکت‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ به مدت ۵ سال (به خاطر وقفه متغیر وابسته) پرداخته شد.

- شرکت‌ها از نوع سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی یا بانک‌ها و غیره نباشند، زیرا افشای اطلاعات مالی و ماهیت فعالیت این نوع شرکت‌ها متفاوت است.
- باهدف کنترل اثر زمانی و متغیرهای مداخله‌گر محیطی ناشی از شرایط زمانی، پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
- قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- وقفه معاملاتی بیش از شش ماه نداشته باشند.
- در هر صنعت حداقل ۵ شرکت وجود داشته باشد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، ۸۴ شرکت در بازه زمانی یادشده حائز شرایط بالا بودند و برای نمونه پژوهش انتخاب شدند. اطلاعات لازم شرکت‌ها از طریق نرم‌افزار ره‌آورد نوین و پایگاه رسمی اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار گردآوری شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار *Eviews* تجزیه و تحلیل شدند.

۶- مدل و متغیرهای پژوهش

جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها با استناد به پژوهش درایور و همکاران (۲۰۲۰)، از مدل (۱) و (۲) استفاده شده است:

$$D/E_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 D/E_{it-1} + \alpha_2 SWING_{it-1} + \alpha_3 EA_{it-1} + \alpha_4 MTB_{it-1} + \alpha_5 DAA_{it-1} + \alpha_6 IND_{it-1} + \alpha_7 LEV_{it-1} + \alpha_8 SIZE_{it-1} + \alpha_9 AGE_{it} + \alpha_{10} PEER_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$D/S_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 D/S_{it-1} + \alpha_2 SWING_{it-1} + \alpha_3 EA_{it-1} + \alpha_4 MTB_{it-1} + \alpha_5 DAA_{it-1} + \alpha_6 IND_{it-1} + \alpha_7 LEV_{it-1} + \alpha_8 SIZE_{it-1} + \alpha_9 AGE_{it} + \alpha_{10} PEER_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن:

- D/E : نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم.
- D/S : نسبت سود تقسیمی به فروش.
- $SWING$: فشار سرمایه‌گذاران.
- EA : نرخ سودآوری شرکت.
- DAA : رشد شرکت.
- MBT : نسبت ارزش بازاری به دفتری سهام.
- IND : استقلال هیئت‌مدیره.
- LEV : اهرم مالی.
- AGE : سن شرکت.
- $PEER$: نسبت سود تقسیمی به فروش صنعت.
- $SIZE$: اندازه شرکت.

۱-۱-۶- متغیرهای مستقل

فشار سرمایه‌گذاران (*SWING*): یک متغیر دامی است به طوری که اگر اندازه شرکت و نسبت حجم معاملات، هر دو بالای میانه باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (دراپور و همکاران، ۲۰۲۰).

حجم معاملات (*DCHURN*): از تقسیم حجم معاملات سالانه به کل تعداد سهام شرکت به دست می‌آید.

اندازه شرکت (*SIZE*): از لگاریتم طبیعی کل دارایی شرکت محاسبه می‌شود.

۱-۲- متغیر وابسته

سیاست تقسیم سود (*D*): در این پژوهش از دو متغیر زیر به‌عنوان سیاست تقسیم سود استفاده شده است (دراپور و همکاران، ۲۰۲۰):

- نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم (*D/E*): نسبت سود تقسیمی هر سهم به سود هر سهم.
- نسبت سود تقسیمی به فروش (*D/S*): مبلغ سود تقسیمی تقسیم بر مبلغ فروش.

۱-۳- متغیرهای کنترلی

بر مبنای پژوهش دراپور و همکاران (۲۰۲۰) از متغیرهای کنترلی زیر استفاده شده است:

- نرخ سودآوری شرکت (*EA*): نسبت سود قبل از مالیات بر کل دارایی. انتظار می‌رود شرکت‌های با نرخ سودآوری بالاتر، سود سهام بیشتری پرداخت کنند.
- رشد شرکت (*DAA*): نسبت تغییرات دارایی به کل دارایی سال قبل. پیش‌بینی می‌شود شرکت‌هایی که رشد بیشتری را در دارایی‌های خود تجربه می‌کنند به دلیل محدودیت‌های وجه نقد، سود سهام کمتری پرداخت نمایند.
- نسبت ارزش بازاری به دفتری سهام (*MTB*): نسبت ارزش بازاری به دفتری حقوق صاحبان سهام. پیش‌بینی می‌شود شرکت‌هایی که با فرصت سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو هستند، نیاز به وجه نقد بیشتری دارند و لذا سعی می‌کنند سود سهام کمتری پرداخت کنند.
- استقلال هیئت‌مدیره (*IND*): نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره. افزایش استقلال هیئت‌مدیره می‌تواند باعث بهبود فرآیندهای کنترلی در شرکت شده و مشکلات مربوط به تضاد منافع بین مدیران و مالکان را که ناشی از تئوری نمایندگی می‌باشد را تا حد زیادی کاهش دهد و بر پایداری رفتار تقسیم سود تأثیرگذار باشد.
- اهرم مالی (*LEV*): نسبت کل بدهی به کل دارایی. انتظار می‌رود شرکت‌هایی که نسبت بدهی بالاتری دارند تحت فشار بیشتری از سوی اعتباردهندگان جهت کاهش پرداخت سود سهام قرار گیرند.
- سن شرکت (*AGE*): لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که از زمان تاسیس شرکت می‌گذرد. برآوری می‌شود شرکت‌های با عمر بالاتر، با فرصت‌های سرمایه‌گذاری کمتری مواجه بوده و لذا سود سهام بیشتری را نیز بین سهامداران توزیع می‌نمایند.
- نسبت سود تقسیمی به فروش صنعت (*PEER*): مبلغ کل سود تقسیمی یک صنعت در یک سال بر کل فروش آن صنعت در همان سال. پیش‌بینی می‌شود شرکت‌های فعال در هر صنعت از الگوی پرداخت سود سهام یکسانی تبعیت کنند.
- اندازه شرکت (*SIZE*): لگاریتم طبیعی کل دارایی. انتظار می‌رود شرکت‌های بزرگ به بازارهای سرمایه بهتری دسترسی دارند و همین موضوع به آن‌ها اجازه می‌دهد که سود نقدی بیشتری را به سهامداران پرداخت کنند.

۷- یافته‌های پژوهش

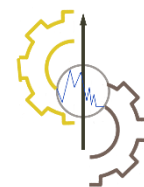
۷-۱- آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیان‌کننده پارامترهای توصیفی مجزای هر متغیر است. آماره‌های مذکور شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد.



Table 1- Descriptive statistics of research variables.

نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
D/E	0.545	0.505	2.506	-0.352	0.394
D/S	0.14	0.058	0.963	0.000	0.19
SWING	0.217	0.000	1	0.000	0.413
EA	0.138	0.115	0.674	-0.403	0.16
MTB	0.363	0.288	1.766	-0.738	0.28
DAA	0.188	0.13	1.293	-0.4	0.255
IND	0.655	0.6	1	0.2	0.184
LEV	0.577	0.599	1.273	0.046	0.204
SIZE	14.208	14.118	19.313	10.491	1.522
AGE	3.617	3.761	4.276	2.639	0.418
PEEER	0.138	0.115	0.374	0.00003	0.161



همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم برابر با ۰/۵۴ است و بیانگر آن هست که شرکت‌ها به‌طور متوسط بیش از نیمی از سود خود را تقسیم می‌کنند. با توجه به آنکه برای شاخص فشار سرمایه‌گذاران از دو معیار استفاده شده است، به‌طور متوسط ۲۲٪ شرکت‌ها این ویژگی را دارند. از آنجایی که برخی از شرکت‌های دارای حقوق صاحبان سهام منفی هستند، نسبت بدهی آن‌ها بیشتر از یک شده است. به همین دلیل حداقل نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری نیز منفی شده است. همچنین صنعت کانه‌های فلزی و صنعت سیمان به ترتیب بیشترین و کمترین نسبت سود تقسیمی به فروش را به خود اختصاص داده‌اند. متغیر نرخ سودآوری کمترین و اندازه شرکت بیشترین پراکندگی را در بین کل متغیرها به خود اختصاص دادند.

۲-۷- آزمون مانایی

نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش.

Table 2- Mana test results of research variables.

نتیجه	سطح معنی‌داری	آزمون فیشر	متغیرها
مانا	0.000	279.018	D/E
مانا	0.000	375.587	D/S
مانا	0.000	219.245	SWING
مانا	0.001	227.961	EA
مانا	0.000	237.086	MTB
مانا	0.000	329.386	DAA
مانا	0.000	275517	IND
مانا	0.000	243.308	LEV
مانا	0.000	352.238	SIZE
مانا	0.000	154.347	AGE
مانا	0.000	238.539	PEEER

از آنجایی که مقدار احتمال تمام متغیرها کوچک‌تر از ۵٪ است، ایستا بودن متغیرها به تأیید می‌رسد؛ به این معنا که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، رگرسیون کاذبی به وجود نمی‌آورد.

۳-۷- بررسی وجود هم خطی

در این پژوهش از روش عامل تورم واریانس (VIF) وجود یا عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل بررسی می‌شود که نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳- بررسی وجود هم خطی.

Table 3-Check for alignment.

متغیرهای تحقیق	عامل تورم واریانس (VIF)
SWING	1.4007
EA	1.874
MTB	1.325
DAA	1.056
IND	1.104
LEV	2.169
SIZE	1.622
AGE	1.038
PEEER	1.992

چنانچه آماره VIF بزرگتر از ۱۰ باشد در آن صورت هم خطی در مدل تحقیق وجود خواهد داشت. با توجه به نتایج به دست آمده، متغیرهای تحقیق دارای هم خطی نیستند.

۴-۷- آزمون خودهمبستگی

در این پژوهش جهت بررسی عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا از آزمون خودهمبستگی بروش گادفری استفاده می شود که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- آزمون خودهمبستگی بروش گادفری (LM test).

Table 4- Godfrey self-correlation test (LM test).

احتمال	آماره F	مدل های پژوهش
0.000	22.856	مدل اول
0.000	82.979	مدل دوم

از آنجایی که احتمال خطای آزمون کمتر از ۵% است، نتایج بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا است.

۵-۷- آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از فروض رگرسیون خطی این است که تمامی جملات خطا دارای واریانس برابر هستند. جدول ۵ نتایج آزمون بروش-پاگان را جهت بررسی ناهمسانی واریانس نشان می دهد.

جدول ۵- آزمون ناهمسانی واریانس.

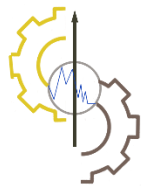
Table 5- Inequality of variance analysis.

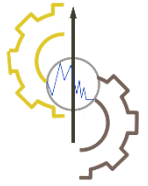
احتمال	آماره t	آزمون	مدل های پژوهش
0.000	4732.95	Breusch-Pagan LM	مدل اول
0.000	14.933	Pesaran scaled LM	
0.000	4790.035	Breusch-Pagan LM	مدل اول
0.000	15.617	Pesaran scaled LM	

از آنجایی که احتمال خطای آزمون کمتر از ۵% است، نتایج بیانگر عدم وجود ناهمسانی واریانس در مدل ها است.

۶-۷- آزمون تشخیص مدل

برای تعیین نوع مدل مورد استفاده در داده های ترکیبی از آزمون F لیمر استفاده می شود. نتایج آزمون در جدول ۶ ارائه شده است. از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر کوچکتر از ۵% است، به منظور برآورد این مدل ها از مدل های ترکیبی (Panel) استفاده خواهد شد.





جدول ۶- نتایج آزمون F لیمر مدل‌های پژوهش.

Table 6- Results of F-Limer test of research models.

مدل‌های پژوهش	آماره	مقدار	احتمال	نتیجه آزمون
مدل اول	F لیمر	7.382	0.000	Panel
	Chi-square (χ^2)	375.287	0.000	
مدل اول	F لیمر	3.747	0.000	Panel
	Chi-square (χ^2)	237.086	0.000	

در فرایند انتخاب بین دو مدل اثرات تصادفی و مدل اثرات ثابت، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. آزمون مزبور بر پایه وجود همبستگی بین متغیرهای مستقل و اثرات انفرادی طراحی شده است. در صورتی که جز خطای تصادفی (اثر انفرادی) با متغیرهای توضیحی همبستگی داشته باشد، در آن صورت مدل اثر تصادفی تورش‌دار بوده و در چنین حالتی لازم است مدل اثر ثابت بکار گرفته شود. نتایج آزمون در جدول ۷ بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش داده‌های پانلی به روش اثرات ثابت می‌باشد.

جدول ۷- نتایج آزمون هاسمن مدل‌های پژوهش.

Table 7- Hausman test results of research models.

مدل‌های پژوهش	آماره	مقدار	احتمال	نتیجه آزمون
مدل اول	Cross-section Random	30.634	0.000	اثرات ثابت (FE)
مدل دوم	Cross-section Random	21.859	0.000	اثرات ثابت (FE)

۷-۷- آزمون فرضیه پژوهش

این پژوهش به بررسی تأثیر فشار سرمایه‌گذاران بر سیاست سود تقسیمی از دو منظر نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم (D/E) و نسبت سود تقسیمی به فروش (D/S) می‌پردازد. از آنجایی که متغیر وابسته دارای وقفه یک‌ساله است، آزمون فرضیه با استفاده از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) و به منظور بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها از آزمون سارگان استفاده شد. نتایج آزمون بررسی تأثیر فشار سرمایه‌گذاران بر نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم (D/E) در ادامه در جدول ۸ ارائه شده است.

از آنجایی که در روش گشتاورهای تعمیم‌یافته از رتبه‌بندی ابزار استفاده می‌شود، لازم است تا برای بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها از آزمون سارگان استفاده گردد. در این آزمون، فرضیه صفر حاکی از عدم همبستگی ابزارها با اجزای خطا است. احتمال آماره سارگان برابر با $0/54$ بوده و بیانگر معتبر بودن ابزار استفاده‌شده است؛ بنابراین نتایج ضرایب برآوردشده از نظر آماری تأییدشده و قابل تفسیر می‌باشند. همچنین جهت اطمینان از وجود و نبود خودهمبستگی در جمالت خطا به ترتیب از آزمون خودهمبستگی مرتبه اول و دوم آرانو- باند استفاده شده است. بدین منظور، ضریب خود رگرسیونی مرتبه اول باید معنی‌دار بوده، اما ضریب خود رگرسیونی مرتبه دوم نباید معنی‌دار باشد. با توجه به نتایج آماری فوق، معنی‌داری $AR(1)$ با احتمال $0/01$ رد نمی‌شود، اما معنی‌داری $AR(2)$ با احتمال $0/65$ رد می‌شود که دلالت بر وجود همبستگی سریالی مرتبه اول و نبود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جمالت اخلاص دارند و صحت اعتبار نتایج بر اساس روش GMM را تأیید می‌کنند.

با توجه به آنکه سطح معنی‌داری متغیر فشار سرمایه‌گذاران کمتر از 5% است می‌توان بیان کرد که بین فشار سرمایه‌گذاران و نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ لذا فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. ضریب این متغیر نیز مثبت است؛ یعنی با افزایش فشار سرمایه‌گذاران، نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم افزایش می‌یابد. بررسی اثر متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که با افزایش سود تقسیمی سال قبل، سود تقسیمی صنعت، نسبت بدهی و اندازه شرکت، نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم نیز به شکل معنی‌داری افزایش می‌یابد؛ همچنین شرکت‌هایی که سن کمتری دارند و رشد کمتری در دارایی‌ها را تجربه می‌کنند، نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم بیشتری دارند؛ اما بین سودآوری، ارزش بازار به دفتری و استقلال هیئت‌مدیره با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

Table 8- Test results of the first research hypothesis.

نام متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
D/E(-1)	1.49	7.336	0.000
SWING	0.014	3.164	0.001
EA	0.028	0.308	0.757
MTB	0.046	1.793	0.073
DAA	-0.029	-2.641	0.008
IND	-0.021	-0.8	0.423
LEV	0.097	3.314	0.001
SIZE	0.023	4.202	0.000
AGE	-0.4	-8.111	0.000
PEEER	0.186	2.349	0.019
آزمون‌های تشخیص			
نام آزمون	آماره	سطح معنی داری	
Sargan test	4.002	0.549	
AR (1)	-2.44	0.014	
AR (2)	0.44	0.655	
$D/E_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 D/E_{it-1} + \alpha_2 SWING_{it-1} + \alpha_3 EA_{it-1} + \alpha_4 MTB_{it-1} + \alpha_5 DAA_{it-1} + \alpha_6 IND_{it-1} + \alpha_7 LEV_{it-1} + \alpha_8 SIZE_{it-1} + \alpha_9 AGE_{it} + \alpha_{10} peer_{it-1} + \varepsilon_{it}$			

احتمال آماره سارگان برابر با ۰/۶۲ بوده و بیانگر معتبر بودن ابزار استفاده شده است؛ بنابراین نتایج ضرایب برآورد شده از نظر آماری تأیید شده و قابل تفسیر می‌باشند. با توجه به نتایج آزمون خودهمبستگی مرتبه اول و دوم آرانو-باند، معنی داری $AR(1)$ با احتمال ۰/۰۴ رد نمی‌شود، اما معنی دار $AR(2)$ با احتمال ۰/۷۵ رد می‌شود که دلالت بر وجود همبستگی سریالی مرتبه اول و نبود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات اخلال دارند و صحت اعتبار نتایج بر اساس روش GMM را تأیید می‌کنند. با توجه به آنکه سطح معنی داری متغیر فشار سرمایه‌گذاران کمتر از ۵٪ است می‌توان بیان کرد که بین فشار سرمایه‌گذاران و نسبت سود تقسیمی به فروش رابطه معنی داری وجود دارد؛ لذا فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. ضریب این متغیر نیز مثبت است؛ یعنی با افزایش فشار سرمایه‌گذاران، نسبت سود تقسیمی به فروش افزایش می‌یابد. بررسی اثر متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که با افزایش سود تقسیمی سال قبل، سود تقسیمی صنعت، نرخ سودآوری و اندازه شرکت، نسبت سود تقسیمی به فروش نیز به شکل معنی داری افزایش می‌یابد؛ همچنین شرکت‌هایی که سن کمتری دارند، نسبت سود تقسیمی به فروش بیشتری دارند؛ اما بین رشد دارایی‌ها، نسبت بدهی، ارزش بازار به دفتری و استقلال هیئت‌مدیره با متغیر وابسته رابطه معنی داری مشاهده نشد. نتایج آزمون بررسی تأثیر فشار سرمایه‌گذاران بر نسبت سود تقسیمی به فروش (D/S) در جدول ۹ که در ادامه به آن اشاره می‌شود ارائه شده است.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

هدف از سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار کسب سود از طریق افزایش قیمت اوراق و دریافت سود اوراق است. سرمایه‌گذارانی که افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت دارند، معمولاً کمتر به بازده‌های نقدی سالیانه توجه می‌کنند و عمدتاً در سهامی سرمایه‌گذاری می‌کنند که بیشتر سود سالانه شرکت صرف راه‌اندازی پروژه‌های جدید می‌شود، نه تقسیم بین سهامداران. از سوی دیگر سهامدارانی قرار دارند که به دنبال جریان مداومی از سود در شرکت هستند، به همین خاطر سهام شرکت‌هایی را می‌خرند که سود نقدی بالایی به سهامدارانش پرداخت می‌کنند. لذا تناقضی بین اهداف سرمایه‌گذاری از دیدگاه میزان تقسیم سود وجود دارد. همچنین افزایش سود سهام منجر به کاهش جریان نقد آزاد شده و نگرانی‌های ناشی از بیش سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. از این رو هدف از این پژوهش بررسی تأثیر فشار سرمایه‌گذاران بر سیاست تقسیم سود از دو منظر نسبت سود تقسیمی به سود هر سهم و مبلغ سود تقسیمی به فروش است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین فشار سرمایه‌گذاران و تقسیم سود رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد؛ یعنی هدف اصلی سهامداران شرکت‌های بزرگ و با حجم معاملاتی بالا، دریافت سود بیشتر است. یکی از دلایل این سیاست را می‌توان در عدم اطمینان محیطی دانست.

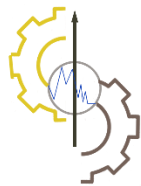
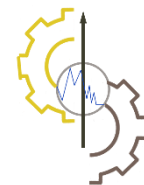


Table 9- Test results of the second research hypothesis.

نام متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
D/S(-1)	0.107	1.797	0.073
SWING	0.009	2.096	0.036
EA	-0.267	-5.553	0.000
MTB	0.009	1.317	0.188
DAA	-0.001	-0.589	0.556
IND	0.0006	0.071	0.943
LEV	-0.01	-1.019	0.308
SIZE	0.028	7.262	0.000
AGE	-0.11	-6.461	0.000
PEEER	0.489	9.891	0.000

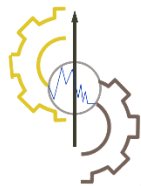
آزمون‌های تشخیص		
نام آزمون	آماره	سطح معنی داری
Sargan test	3.513	0.621
AR (1)	-2.04	0.042
AR (2)	0.786	0.747

$$D/S_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 D/S_{it-1} + \alpha_2 SWING_{it-1} + \alpha_3 EA_{it-1} + \alpha_4 MTB_{it-1} + \alpha_5 DAA_{it-1} + \alpha_6 IND_{it-1} + \alpha_7 LEV_{it-1} + \alpha_8 SIZE_{it-1} + \alpha_9 AGE_{it-1} + \alpha_{10} PEEER_{it-1} + \varepsilon_{it}$$


سهامداران دریافت سود قطعی در شرایط فعلی را نسبت به افزایش قیمت احتمالی در آینده ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش تئوری نمایندگی در خصوص سود سهام را به چالش می‌کشد بطوریکه پرداخت سود سهام بالاتر بابت فشار سرمایه‌گذاران بیش از یک پاسخ ساده به مشکلات نمایندگی است. چنین فشاری از عملکرد نامناسب بازارهای مالی نشأت می‌گیرد و اشتباهی زیاد معامله‌گران نوسانی برای کسب بازده کوتاه‌مدت را نشان می‌دهد.

نتایج این پژوهش با مطالعات باروز و همکاران (۲۰۲۱)، درایور و همکاران (۲۰۲۰) و کومراتاناپانیا و ساتراوک (۲۰۱۳) مطابقت دارد. مطالعات مالی و اقتصادی سود سهام نباید صرفاً توسط نظریه‌های ارائه‌شده در نیم‌قرن پیش صورت گیرد، بلکه باید تغییرات عمده‌ای را که در نظریه‌ها و عملکرد حاکمیت شرکتی در محیط‌های مختلف رخ داده است، در نظر گرفته شود. فقط در این صورت است که می‌توان عوامل تعیین‌کننده سود سهام را به درستی درک کرد و در مورد سطح مناسب پرداخت سود سهام برای شرکت و اقتصاد کلان قضاوت نمود.

با توجه به نتایج این پژوهش، به سرمایه‌گذارانی که به دنبال کسب سود تقسیمی بالاتری هستند پیشنهاد می‌شود به دنبال سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بزرگ‌تری باشند که حجم معاملات بیشتری دارند، در نتیجه هم از مزیت نقد شوندگی بالاتری برخوردار می‌شوند و هم سود بیشتری را دریافت می‌کنند. همچنین با توجه به مضرات پرداخت سود بالای سهام برای شرکت، به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود جهت کاهش دامنه فعالیت معامله‌گران نوسانی اقدامات لازم را انجام دهد. به‌طور مثال می‌توان محدودیت زمانی را جهت نگهداری سهام خریداری‌شده اعمال نمود. از سوی دیگر فشار سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت جهت دریافت سود نقدی بیشتر هرچند که نگرانی‌های سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد را کاهش می‌دهد، منجر به کاهش منابع داخلی شرکت شده و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را محدود می‌نماید، لذا پیشنهاد می‌شود تأثیر فشار سرمایه‌گذاران بر ارزش شرکت از طریق متغیر میانجی سود نقدی سهام بررسی گردد. یکی از دلایل احتمالی تمایل به توزیع سود سهام بیشتر را می‌توان در دیدگاه مدیران شرکت‌ها دید. مدیرانی که دیدگاه کوتاه‌مدت داشته و تمایل به جلب رضایت بیشتر سهامداران دارند، ممکن است توزیع سود بیشتری را پیشنهاد دهند، لذا به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود که تفاوت سیاست تقسیم سود در شرکت‌هایی که مدیران آن‌ها دارای افق‌های استراتژی‌های متفاوتی هستند را مورد بررسی قرار دهند. همچنین با توجه به آنکه روش‌های متفاوتی برای پرداخت سود سهام وجود دارد، لزوم بررسی شیوه‌ها و اثرات پرداخت سود سهام در شرکت‌هایی که سود سهام بیشتری پرداخت می‌کنند ضروری به نظر می‌رسد.



- Baker, H. K., & Powell, G. (2009). *Understanding financial management: a practical guide*. John Wiley & Sons.
- Barros, V., Matos, P. V., Sarmiento, J. M., & Vieira, P. R. (2021). Do activist shareholders influence a manager's decisions on a firm's dividend policy: a mixed-method study. *Journal of business research*, 122, 387-397. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2020.08.048>
- Driver, C., Grosman, A., & Scaramozzino, P. (2020). Dividend policy and investor pressure. *Economic modelling*, 89, 559-576. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2019.11.016>
- Driver, C., Grosman, A., & Scaramozzino, P. (2020). How investor pressure leads to higher dividend payouts. *LSE business review*. <https://eprints.soas.ac.uk/id/eprint/32629>
- Etemadi, H., & Esmaeili Kojani, M. (2016). A comprehensive review of theories dividend policy. *Accounting and auditing studies*, 5(17), 22-35. **(In Persian)**. DOI: 10.22034/TAAS.2016.99162
- Fang, V. W., Tian, X., & Tice, S. (2014). Does stock liquidity enhance or impede firm innovation?. *The journal of finance*, 69(5), 2085-2125. <https://doi.org/10.1111/jofi.12187>
- Gallagher, T. M. (2013). *Pragmatics of language: clinical practice issues*. Springer.
- Haji, T., & Sharifi, F. (2020). The relationship between information asymmetry and dividend policy of companies listed in tehran stock exchange. *Journal of new research approaches in management and accounting*, 4(45), 121-138. **(In Persian)**. <http://majournal.ir/index.php/ma/article/view/567>
- Heidari Haratmeh, M., & Shirinbakhsh, S. (2018). Investigating the impact of the dividend policy and the ownership structure on the financing constraints (KZ Index) of the companies listed on the tehran stock exchange. *Journal of accounting and social interests*, 7(4), 83-98. **(In Persian)**. DOI: 10.22051/ijar.2017.9777.1115
- Izadinia, N., Soltani, A., & Alinaqian, N. (2010). Evaluating the effective factors on dividend policy in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting studies*, 26, 139-155. **(In Persian)**. <http://noo.rs/DZ0bA>
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American economic review*, 76(2), 323-329.
- Karami, G., Mehrani, S., & Eskandar, H. (2011). An investigation of agency theory and signaling theory in dividend policies: the role of institutional investors. *Journal of accounting advances*, 2(2), 109-132. **(In Persian)**. DOI: 10.22099/jaa.2011.3410
- Kaźmierska-Jóźwiak, B. (2015). Determinants of dividend policy: evidence from polish listed companies. *Procedia economics and finance*, 23, 473-477. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(15\)00490-6](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(15)00490-6)
- Khodamipour, A., Houshmand Zaferanie, R., & Deldar, M. (2013). Investigation into effective tax rate impact on dividend policy in firms listed in tehran stock exchange. *Iranian national tax administration*, 21(65), 31-57. **(In Persian)**. <https://www.magiran.com/paper/1175855?lang=en>
- Komrattanapanya, P., & Suntraruk, P. (2013). Factors influencing dividend payout in Thailand: a tobit regression analysis. *International journal of accounting and financial reporting*, 3(2), 255-268.
- Kordestani, G., & Teymori, T. (2017). The effect of private information on investment and dividend policy. *Financial management strategy*, 5(2), 27-53. **(In Persian)**. DOI: 10.22051/jfm.2017.11251.1129
- Mohammadzade Moghadam, M. B., Naghdi, S., & Esmaeili, J. (2018). Earning quality and dividend policy. *Journal of accounting and social interests*, 8(1), 153-172. **(In Persian)**. DOI: 10.22051/ijar.2017.15511.1300
- moradi, M., & Deldar, M. (2012). Investigation of effect of the non-institution shareholders on dividend policy. *Financial accounting knowledge*, 2(4), 106-124. **(In Persian)**. https://jfak.journals.ikiu.ac.ir/article_1201.html?lang=en
- Saraf, F., & Chavoshi Tehrani, M. (2016). The relationship between corporate profit sharing policy and major suppliers and customers of goods and services. *Financial accounting and auditing research*, 8(32), 29-48. **(In Persian)**. http://faar.iauctb.ac.ir/article_528669.html
- Tran, Q. T. (2020). Corruption, agency costs and dividend policy: international evidence. *The quarterly review of economics and finance*, 76, 325-334. <https://doi.org/10.1016/j.qref.2019.09.010>
- Wang, J. (2012). Do firms' relationships with principal customers/suppliers affect shareholders' income?. *Journal of corporate finance*, 18(4), 860-878. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2012.06.007>
- Zagonel, T., Terra, P. R. S., & Pasuch, D. F. (2018). Taxation, corporate governance and dividend policy in Brazil. *RAUSP management journal*, 53(3), 304-323.